

با اظهار داشتند تعبیر خواب آن بود که از دخترش
 مانند انا فرزندی بوجود خواهد آمد که بر آسیا چیده
 خواهد بود. ایشوویکو از فرزند دخترش بسیار
 وحشت داشت. پس زاده دخترش را به یکی
 از بستگانش 'هاریاگی' که در فتن وزیر و سپاه
 سالار او نیز بود سپرد و دستور داد که این بچه
 یعنی کوروش را نابود کند. هاریاگی این جنایتی را
 از دست خود انجام نداد. او کوروش را به یکی
 از چوپان های شاه بنام 'میترادات' (مهرداد) داد
 و خواست که بچه را بدستور شاه به گوهی در میان
 جنگل ها رها کند تا طبعه خدان گرد اما طبیعت
 طرح دیگری داشت.

بتبار کوروش از جانب پدرش به پارس ها
 می رسید که برای چند سال بر ایشان از شمال خوزستان
 کنونی در جنوب شرقی ایران حکومت کرده بودند
 کوروش درباره خاندانش بر سالفالینه استوان
 شکی محل حکومت آنها بر نقش کرده است. بنیادگذار
 سلسله هخامنشی شاه هخامنشی ایشان بوده که
 در دوره 700 قی زبسته است. پس از مرگ او
 چیش پیش ایشان به حکومت رسید. چیش پیش
 نیز پس از مرگش توسط دو نفر از پسرانش کوروش
 اول ایشان و اریامش فارس در پادشاهی دنیال
 شد. سپس پسران هر کدام به ترتیب گبوجیه
 اول ایشان و ارتشام فارس بعد از آنها حکومت
 کردند. گبوجیه یکم پادشاهت اریامش مانند انا
 (دختر ایشوویکو پادشاه قبيله ماد و شاهدخت
 اریامش لیدیه) ازدواج کرد و کوروش بزرگ نتیجه
 این ازدواج بود.

درباره کودکی و جوانی قصه های بسیار
 وجود دارد اما من در این فصل حکومت و فتوحات
 و فرمانروایی عادلانه و توجه او به زبان و ادبیات

سخن میگویم. اسناد موجود از منابع میدی بین النهرین حکایت از آن دارند که کوروش پس از به تخت نشینی در پارس با بابل روابط سیاسی برقرار کرد و توجه خود را به شرق و شمال ایران نیز محطوف کرده بود. کوروش برای رهای از یوغ مادها لشکرگشی خود را با عهد به حرمادی پاسارگاد آغاز کرد. کوروش پس از تسخیر ماد رسماً خود را فرمانروای ماد خواند و لقب شادگان ماد را بخود اختصاص داد اما در عمل سرزمین ماد توسط فرماندار پارسی اداره می شد پارس ها سیستم اداره کشور را از مادها به عاریت گرفتند که خود آنها نیز بسیاری از شیوه های آن را از آشوری ها به عاریت گرفته بودند پس از فتح همدان توسط کوروش و اسیر شدن استیگ، شوهر خواهر کزروس شاه پدیده وی بسیار نگران بود که رقیب تازه ای پیدا کند و کوروش به سرزمین بابل رسید از ماد حفاظت نکند و اهنگ رفتن سرسراسر آسیای صغیر را داشته باشد.

در سال 545 پیش از میلاد جنگ بین کزروس و کوروش آغاز شد در این جنگ پس از نشیب و فراز در سارد برانگه کزروس درون این دربار بود. در نوامبر 545 در سارد تسلیم شد. به نوشته هرودوت و برخی مورخان دیگر رای دارند که کوروش پس از تسخیر سارد دستور داد تا کزروس و ۱۶ نفر دیگر از بزرگان لیدی دستگیر کرده و بسوزانند. اما بر اثر استخفاف کزروس اباران جاری شد و آتش را خاموش کرد و کوروش هم که تحت تأثیر سخنان او قرار گرفته بود، وی را بخشید.